تحلیل تعبیر «وقف له» در روایت ابن خالد

استظهار عرفی را چه کار کنیم؟ استظهار عرفی این است که وقتی به این روایات نگاه می‌کنیم «وقف» را «وقف» ثبوتی می‌بینیم. من سریع مثال این را عرض می‌کنم تا شنبه روی آن فکر کنید. ببینید دو مثال ساده است. می‌گوییم خداوند شما را موقف کرد که به دیدار فلان عالم رفتید؛ وقفک الله باذهاب لزیارة العالم، این یک جور است. اما یک بار هم به این صورت می‌گویند شما رفته‌اید تا صله رحم کنید، خانه پدر، عموی ...، وقتی وارد شدید دیدید که آن عالم بزرگ هم در اینجا حاضر است. می‌گویید «وُفّقت لملاقاة هذا العالم»، «وفقک الله لملاقاة هذا العالم». فرق این دو در چیست؟ اولی یعنی کار خوب را خودت با اختیار خودت انجام دادی و بعد توفیق خود کار را داشتی، اما در دومی می‌خواهند بگویند یک کاری کردی اما همراه آن اتفاقی بود که به دست تو نبود. دست خدا بود. در سوم وقتی له، کدام یک از این‌ها است؟ یعنی توفیقی است که اصل آن، کار خدا است؟ شما یک کاری کردید و توفیق آن دست خدا بود؛ یعنی ماه ثبوتی که دست شما نبود، اگر به این صورت باشد انطباق توفیق، قهری می‌شود. به دید شارع نیست که شارع بگوید اگر ابر نبود «لا وفق له». این یک اشکال ثبوتی است.

> 46:13

جوابش را عرض می‌کنم تا به آن فکر کنید. ما توفیق شرعی هم داریم. یعنی امام می‌فرمایند: جدّم که فرمودند «وفق»، نمی‌خواستند وفق قهری ثبوتی انطباقی قهری را بگویند. می‌خواستند بگویند که اگر ما روزه گرفتید، وفقت بتوفیق حکم وضعی من شارع؛ یعنی حکم می‌کنم و لذا قابل قید است. می‌گوییم اگر ابر نبود من اصلاً قبول ندارم. اگر روزه هم گرفتی فایده ندارد. اگر ابر بود وفقت. نه وفق قهری که قهرا منطبق می‌شود. «وفق»ی است که من شارع قبول دارم و از تو پذیرفته است. این یک معنایی برای استظهار از حدیث است.

بازبینی #2
ایجاد شده 25 مه 2026 14:17:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 14:18:28 توسط ... .